

مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تخصصی

علیرضا بهمن‌آبادی^۱

روشن‌بین، فروز. مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تخصصی. تهران: صنم، ۱۳۷۸.
۱۶۷ ص. ۹۵۰۰ ریال.

در حوزه اداره کتابخانه‌ها و مدیریت مراکز اطلاع‌رسانی تاکنون تعداد بسیار اندکی کتاب به زبان فارسی منتشر شده و از همین تعداد نیز بخش عمده‌ای، متون ترجمه شده است. تعداد کتبی که در این حوزه نیز منعکس‌کننده تجربه روسای کتابخانه‌های کشور باشد نیز نادر است و افرادی که به مطالعه در حوزه مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی می‌پردازند از یافته‌ها و تجربیات همکاران مدیر خود که به صورت مضبوط و انسجام یافته مرتب شده باشد عملاً بی‌بهره‌اند.

کتاب حاضر به گفته مؤلف محترم آن حاصل جمع‌بندی بیش از دو دهه تجربه، مطالعه، و مدیریت وی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تخصصی است (ص. ۶). بدین جهت تلاش مؤلف محترم را که دست به تدوین تجربه مدیریتی خود زده‌اند باید ستود و امیدوار بود که این حرکت بتواند الگویی برای سایر مدیران کتابخانه‌های کشور باشد.

مطالب کتاب حاضر در یک مقدمه و ۱۱ فصل تنظیم گردیده که عناوین فصول آن عبارتند از اطلاعات و نقش آن در توسعه علمی؛ کتابخانه‌های تخصصی اهداف و وظایف آن؛ طراحی خدمات و نظام‌های اطلاع‌رسانی در مراکز تخصصی؛ فراهم‌آوری و انتخاب مواد؛ سازماندهی مدارک در کتابخانه‌های تخصصی؛ چکیده‌نویسی؛ اشاعه اطلاعات؛

۱. عضو هیئت علمی مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی

تکنولوژی اطلاعات و استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی؛ شبکه‌های رایانه‌ای؛ الگوهای رفتاری کتابداران مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های تخصصی عاملی جهت ایجاد انگیزه. نگاهی گذرا به عناوین فوق نشان می‌دهد مؤلف محترم پس از سه فصل اولیه به سرعت وارد بحث خدمات کتابخانه‌ها شده و به شرح و تفسیر آنها پرداخته‌اند. این امر با بررسی دقیق‌تر محتوای هر کدام از فصول یاد شده بیشتر محرز می‌گردد و شاید این مسئله، یعنی دور افتادن از سیر اصلی موضوع کتاب را بتوان به عنوان اصلی‌ترین نقطه ضعف کتاب برشمرد. کافی است در این باره تنها به عناوین فرعی برخی از فصول کتاب توجه کنیم. عناوین فرعی فصل چهارم کتاب تحت عنوان "فراهم‌آوری و انتخاب مواد" را مواردی همچون "سازماندهی فعالیت فراهم‌آوری"، "ارتباط بخش فراهم‌آوری و سفارش با سایر بخش‌ها"، "ابزارهای انتخاب مواد"، "روش‌های سفارش و تهیه اطلاعات"؛ و عناوین فرعی فصل پنجم تحت عنوان "سازماندهی مدارک در کتابخانه‌های تخصصی" را مواردی همچون "سازماندهی مدارک (کتاب، اسناد، کاتالوگ‌های تجاری و...)"، "سازماندهی مدارک غیرکتابی"، "طبقه‌بندی"، "طرح طبقه‌بندی چهریزه‌ای"، "الگوهای رده‌بندی"، "رده‌بندی جهانی دهمی اعشاری"، "ساختار رده‌بندی یو.دی.سی"، "رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا"؛ و عناوین فرعی فصل ششم تحت عنوان "نمایه‌سازی" را مواردی همچون "مراحل نمایه‌سازی"، "اصطلاحنامه و بخش‌های مختلف آن"، "معرفی چند واژه‌نامه مهم"، "روش‌های مختلف نمایه‌سازی"، "زبان‌های نمایه‌سازی" تشکیل می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود بسیاری از این مطالب هیچ ارتباطی با بحث مدیریت مراکز اطلاع‌رسانی ندارند. در واقع چنین متونی باید شیوه‌ی مدیریت این خدمات را مورد بحث قرار دهند نه ماهیت و مشخصات آنها را، از طرف دیگر طرح مباحث به این صورت، ضمن آنکه اهداف مورد انتظار را پوشش نمی‌دهد، سبب شده تا مطالبی که جای طرح آنها در کتاب نبوده نیز به شیوه‌ای ناقص مطرح شوند.

ارائه مطالب خارج از موضوع در حجمی وسیع به قیمت از دست رفتن مطالب مرتبط تمام شده است. به عنوان مثال خواننده این کتاب به هیچ وجه مطلبی در مورد جذب و نگهداشت نیروی انسانی، ساختارهای سازمانی مراکز اطلاع‌رسانی، بودجه‌بندی، برنامه‌ریزی و هماهنگی، سنجش عملکرد و... در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی نمی‌یابد. این امر در واقع نقصی عمده برای اثری محسوب می‌شود که مدعی طرح مسائل مدیریتی در این گونه مراکز است. در شرایط کنونی ما نیاز داریم که مدیران مجرب و کار آزموده کتابخانه‌های کشور بنابر شرایط و وضعیت خاصی که مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های ما

در آن به سر می‌برند، چالش‌های مدیریتی کتابخانه‌های کشور را مطرح کرده و راهبردها و نظرات خاص خود را ارائه دهند.

مؤلف محترم در قسمتی از کتاب (صفحه ۴۲) به طرح مفهوم کتابخانه تخصصی و مرکز اطلاعات و مرکز اطلاع‌رسانی پرداخته و ضمن یکسان برشمردن آنها بی‌هیچ توضیح بیشتری از کنار آنها گذاشته‌اند. ظاهراً مؤلف محترم هیچگونه تمایزی میان کتابخانه تخصصی و مرکز اطلاع‌رسانی قائل نشده‌اند. این رویکرد اگرچه ممکن است در مواردی قرین به صحت باشد ولی تفاوت‌هایی گاه عمده میان انواع این سازمان‌ها وجود دارد که لازم بود این وجوه اشتراک و افتراق و همین‌طور برداشت‌ها و تفسیرهای مختلفی که در این خصوص وجود دارد مشخص می‌گردید. وجود مراکزی همچون مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهادسازندگی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، مرکز اطلاع‌رسانی وزارت دفاع و در سطح بین‌المللی با مراکزی همچون مرکز اطلاعات علمی و فنی ژاپن (JICST)، مؤسسه اطلاعات علمی و فنی کانادا (CISTI) مرکز ملی اسناد علمی هند (INSDOC) که نقشی به مراتب متفاوت‌تر و فراتر از یک کتابخانه تخصصی صرف ایفا می‌کنند گواهی بر این مدعاست. بدین ترتیب آیا بهتر نبود تعریفی مشخص‌تر و جامع‌تر از مراکز اطلاع‌رسانی و حدود و دامنه و انواع آن و همین‌طور وجوه تمایز و افتراق آن با کتابخانه‌های تخصصی ارائه می‌گردید؟

برخی از مطالب کتاب چندان قابل اثبات نبوده و لحن ژورنالیستی به خود گرفته‌اند. مثلاً در صفحه ۳۴ می‌خوانیم "به هر حال شاید هیچ حرفه‌ای جنبش و تحرک یک مدیر کتابخانه را نطلبد و هیچ فعالیت و فرایندی به اندازه ایجاد و اداره یک مجموعه کتابخانه دارای دردرس و مشکلات و پیچ و خم‌های بسیار نباشد...". خواننده کتاب در مواجهه به جملاتی از این دست چنین تصور می‌کند که مؤلف کتاب فعالیت‌ها و وظایف و دردرس‌های مدیرانی مانند رئیس یک بیمارستان، مدیر یک مدرسه، یا مسئول یک موزه را ملاحظه کرده و این مقایسه را انجام داده‌اند. آیا واقعاً رئیس یک کتابخانه با مشکلات بیشتری از آنچه رئیس یک بیمارستان با آن روبروست مواجه است؟ بجاست این گونه مطالب را با ظرافت بیشتری بیان کرده و ابعاد مسئله را بیش از آنچه که هست جلوه نداد. در عوض مشکلات و دردرس‌های واقعی و عملی که یک مدیر کتابخانه با آن روبروست را با واقع بینی هر چه بیشتر و بدور از احساسات برشمرد و شیوه‌های حل مشکل یا مشکلات بالقوه را بیان کرد.

در مواردی نیز نویسنده به ارائه مطالبی ضد و نقیض پرداخته و خواننده را دچار سردرگمی می‌نماید. به عنوان مثال در صفحه ۳۵ می‌خوانیم "تفاوت بین کتابخانه‌های

تخصصی و سایر انواع کتابخانه‌ها چون دانشگاهی و عمومی را تنها تعداد معدودی از افرادی که در این زمینه دارای مدارج علمی می‌باشند می‌دانند. و در دو جمله بعد می‌خوانیم "حتی ممکن است که از کتابداران تحصیل‌کرده و متخصص نیز برای طراحی کتابخانه‌های تخصصی استفاده شود اما متأسفانه کتابداران تحصیل‌کرده و متخصص نیز در زمینه کتابخانه‌های تخصصی تجربه و آگاهی چندانی ندارند و تلاشی نیز برای افزایش اطلاعات نمی‌نمایند به همین دلایل است که استفاده از کتابداران و مدیران کتابخانه‌های تخصصی در طراحی برنامه‌ریزی کتابخانه بسیار ضرورت می‌یابد. "این حق را برای خواننده باید محفوظ نگاه داشت که در برابر جملاتی این چنین پرسد که بالاخره تکلیف چیست؟ آیا باید از کتابدار متخصص استفاده شود یا چون تجربه و آگاهی چندانی ندارد و تلاشی هم برای افزایش آگاهی خود نمی‌کند نباید از او استفاده کرد؟

در فصل نهم کتاب که به "تکنولوژی اطلاعات و استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی" اختصاص پیدا کرده است، همچنان همان پرسش شیوه برقراری ارتباط میان مباحث تکنولوژی اطلاعات با مدیریت کتابخانه‌ها مطرح است. همچون فصول گذشته، در اینجا نیز چارچوبی مشخص و رهنمودی عام که از جهت مدیریتی حائز اهمیت باشد و بتواند مدیران کتابخانه‌ها را در انتخاب و به‌کارگیری فن‌آوری مناسب یاری نماید ارائه نمی‌شود. علاوه بر آن ذکر نسبتاً تفصیلی برخی از فن‌آوری‌هایی که در حال حاضر در کتابخانه‌های کشور به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند یا اساساً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (مانند تله‌تکس یا تلکس) خواننده را با سؤال درباره دلایل طرح آنها روبه‌رو می‌سازد. این در حالی است که حجم اندکی از مطالب کتاب در این بخش به توضیح فن‌آوری که به سرعت در کتابخانه‌ها و سایر مراکز رو به توسعه و گسترش هستند (مانند پست الکترونیکی) اختصاص داده شده است.

فصل دهم کتاب با عنوان "شبکه‌های رایانه‌ای" نیز که به بحث درباره اینترنت و برخی مطالب مفید آن برای کتابداران، انواع شبکه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارهای شبکه، برنامه انتقال فایل، آرچی، و گوفر می‌پردازد، نیز همچنان با همان مشکل فوق یعنی مشخص نساختن استراتژی‌ها و کاربردهای آن برای کتابخانه‌ها یا نحوه استفاده بهینه از امکانات شبکه اینترنت توسط مدیران کتابخانه‌ها روبه‌روست. افزون بر آن مؤلف محترم درباره تأثیرات قابل توجهی که این شبکه می‌تواند بر خدمات کتابخانه‌ها بگذارد و لازم است مدیران بر این تغییرات اشراف داشته باشند و آنها را در برنامه‌ریزی‌های خود برای کتابخانه منظور نمایند، سخنی به میان نیاورده است. صرف‌نظر از این نکته، باید یادآور شد برخی از خدماتی که در

این بخش توضیح داده شده عملاً با ظهور وب (به عنوان یکی از خدمات مسلط اینترنت) تحت تأثیر قرار گرفته و عملاً جای خود را به وب داده‌اند. این در حالی است که مؤلف محترم درباره این خدمات اساساً هیچ‌گونه توضیحی نداده‌اند.

به عنوان نکته آخر باید به ارتباط منابع مورد استفاده و بحث مدیریت کتابخانه‌ها اشاره کرد. نگاهی کوتاه به فهرست مآخذ کتاب نشان می‌دهد تقریباً بسیاری از این منابع در حوزه خدمات کتابخانه‌ها هستند و ربط چندانی به موضوع مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی ندارند. اگر چه همواره هر مؤلفی مختار است که از هر منبعی که مناسب تشخیص می‌دهد برای ارائه مطالب مورد نظر خود استفاده نماید، ولی این حق را نیز باید برای خواننده محفوظ نگاه داشت که بتواند از طریق مآخذ کتاب به مطالب مرتبط‌تر هدایت شود. چنانچه خواننده کتاب حاضر بخواهد از طریق کتابنامه این کتاب به مباحث تفصیلی‌تر مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دست یابد، بی‌گمان تلاش او چندان پرنتیجه نخواهد بود.